

# «تاریخچه حقوق شهروندی»

## الف: حقوق شهروندی در اسلام

### حقوق شهروندی در قرآن کریم

مهمترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که (تبیان کل شی) است و تجدد را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده که سیره نبوی (ص) و دیگر معصومان علیهم السلام نیز مطابق با درک درست مفاهیم آن کتاب است.

قرآن کریم در مورد کرامت های انسانی می فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره الاسراء آیه ۷۰). و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را در دریاها و خشکی ها و مرکب هایی سوار کردیم و از غذاهای لذیذ و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم.

در این آیه بنی آدم به اعتبار این که بنی آدم هستند، کرامت دارند، این که گفته می شود حقوق انسان از آن جهت که انسان است شرافت دارد، چون انسانها ذاتاً نزد خداوند احترام دارند.

نخستین حق هر شهروند و هر انسانی ایجاد زمینه های رشد اوست. پس از آن باید محیط اجتماع فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنا براین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید ۲۵) قسط و عدل مطلوب هر انسانی و در جای جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است (نحل ۹۰؛ حجرات ۹) حتی اگر به ضرر شخصی باشد (نساء ۱۳۴). از دیگر حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصیتی می باشد. در آیات متعدد قرآن کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسانهای دیگر نیز محترم شمرده

است. در چنین محیط امن و آرامی است که انسان می تواند به رشد و کمال خود بیندیشد. چنان که علت بعثت هم، رساندن انسانها به چنین مرحله ایست (آل عمران، ۱۶۴) یکی دیگر از مهم ترین تعالیم دینی توجه به منزلت و کرامت همه انسانها است (اسراء، ۷۰) و آن چه که موجب برتری کسی بر دیگری می گردد، تنها تقوی است (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (حجرات ۱۳) چگونگی عمل و رفتار است که موجب کسب فضیلتی افزون بر دیگری می شود، نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، جنسیت، نژاد و فرماندهان و مدیران. بنابراین همه انسانها از حقوق مساوی برخوردار هستند..

### حقوق شهروندی در حکومت نبوی

فرازهایی از سخنرانی تاریخی پیامبر اعظم (ص) در مسجد الحرام، در اجتماع عظیمی از مسلمانان و مشرکان به عنوان منشور جاودانه حقوق بشر در اسلام:

۱. ای مردم! خداوند در پرتو اسلام افتخارات دوران جاهلیت و مباحات به وسیله انساب را از میان برداشت. همگی از گل بوجود آمده اید و او نیز از گل آفریده شده. بهترین مردم کسی است که از گناه و نافرمانی چشم بپوشد.
۲. مردم در پیشگاه خداوند دو دسته اند: پرهیزگار که در پیشگاه خدا گرامی است و متجاوز و گناهکار که در نزد خدا ذلیل و خوار است.
۳. مردم! عرب بودن جزو شخصیت و ذات شما نیست بلکه آن، تنها زبانی است گویا و هر کس در انجام وظیفه خود کوتاهی کند افتخارات پدری، او را را به جایی نمی رساند.
۴. همه مردم در روزگار گذشته و حال، مانند دندانهای شانه مساوی و برابرند و عرب بر عجم و سرخ بر سیاه برتری ندارد. ملاک فضیلت، تقوی و پرهیزگاری است.
۵. من تمام دعاوی مربوط به جان و مال و همه افتخارات موهوم دوران گذشته را زیر دو پای خود نهاده و تمام آنها را بی اساس اعلام می کنم.
۶. مسلمان برادر مسلمان است و همه مسلمانان برادر یکدیگرند.

## ب: حقوق شهروندی در غرب

### حقوق شهروندی در یونان و روم باستان

اصول حقوق بشر و شهروندی تا قرن هجدهم میلادی، به صورت مکتوب، مدون و جامع نبوده است. حقوق باستان، به شدت فلسفی بوده است. از همین رو ارسطو بنیان گذار و نظریه پرداز حقوق مردمان سرزمین یونان است. در یونان و روم باستان، شهروندان در مقابل بیگانگان و بردگان قرار می گرفته است. شهروندان افراد آزاد آن سرزمین بوده اند که از حقوق کامل برخوردار بوده اند.

ارسطو برای توجیه برده داری به طبیعت و نتیجه طبیعی اعمال و رفتارها اشاره می کند و آن را نتیجه طبیعی اسارت در جنگ می گوید. وی می گوید همان گونه که ارث بدون وصیت به واسطه نسب به وارث می رسد، بردگی نیز از والدین به فرزند انتقال خواهد یافت. امر دیگری که در اندیشه حاکم بر یونان از افکار ارسطو اجرا می شده است، تناسب کیفر و مجازات است. آنها «کیفر متقارن» را نیز ملهم از طبیعت می دانستند.

اما از سوی دیگر افکار یونانیها (بهتر است بگوییم آتنیها) با مفهوم آزادی در برابر قانون بیگانه بود. افکار آنها به شدت اشرافی زده و طبقاتی بود و برابری در آن معنایی نداشت.

### حقوق شهروندی در قرون وسطی

در این دوران، همراهی روحانیون مسیحی با حکام ظالم و فئودالها، بدترین حق کشیها رخ داد. دادگاههای انگیزاسیون و نظام قضائی اتهامی، شکنجه و انواع حق کشیهای غیرانسانی، کرامت انسانی را لگدمال می کردند.

در این نظام قضایی، اصل کرامت انسانی و نیز بی گناهی او فراموش شده بود و کسی نمی توانست با تمسک به تفسیر مضیق از اعمال مجرمانه، تبری خود را از گناه اثبات کند. همچنین مجازات غیرانسانی و شکنجه های تزدیلی در نظام قضایی اتهامی انگیزاسیون به وفور دیده می شد و به عنوان یک امر معمول تلقی شده بود.

### حقوق شهروندی در پس از رنسانس

منشور کبیر یا مگنا کارتا (magna carta) منشور قانونی انگلیسی است که به طور رسمی در سال ۱۲۱۵ م به تصویب رسید. مگنا کارتا، جان، شاه انگلستان را موظف به پذیرفتن حقوق مشخصی

برای مردان آزاد تحت حکومت اش، احترام به برخی رویه‌های قانونی مشخص، و پذیرفتن این موضوع که قدرت او توسط قانون محدود خواهد شد، می‌نمود. در این منشور، مقصود از "مردان آزاد"، اقلیتی از بارون‌ها و فئودال‌های سرزمین انگلستان بوده‌است؛ این درحالیست که مردم عادی، رعایا و سرف‌ها از حیطه حقوقی این منشور خارج بودند. در بریتانیا نیز پس از قرن مبارزه (قرن ۱۷ میلادی) بین پادشاهان استوارت از یک سو و مردم و پارلمان انگلیس از سوی دیگر، منشوری با نگاه به ماگنا کارتا نوشته شد.

نقطه عطف در تحول مفهوم حقوق شهروندی و تبویب آن را باید در تحولات اروپا پس از قرون وسطی جستجو کرد. عدم رعایت حقوق بشر و اصول اولیه انسانی در آن دوران، باعث شد تا اروپائیان به فکر نگارش و اعلام آن بیافتند. اعلامیه «حقوق بشر و شهروندی» فرانسه در سال ۱۷۸۹ از اولین اسنادی است که در آن این موضوع توجه قرار گرفته است.

پس از آن در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱، منشور حقوق شهروندی ایالات متحده به تصویب رسید که بر پایه ماگنا کارتا، منشور حقوق شهروندی بریتانیا و مبارزه‌های کلنی‌نشین‌ها با امپراتور و پارلمان بود.

بعدها کشورهای دیگر نیز قوانینی را برای حفظ حقوق شهروندان آن سرزمین‌ها وضع کردند. در این دوره با تغییرات در جوامع و گسترش حدود طبقات متوسط جامعه که خواهان حقوقی متناسب بودند، زمینه تدوین حقوق متضمن منافع اکثریت جامعه فراهم شد. انقلاب فرانسه، صنعتی شدن و نیز استقلال آمریکا این روند تدوین را سرعت بخشید و به جوامع دیگر نیز بسط داد. پذیرش حقوق ذاتی انسان و آزادی همه انسانها از بدو تولد، از آثار این دوره است.

نسل دوم این حمایتها، روند جهانی شدن حقوق بشر است. این دوره، با حمایت از اقلیتها و گروههای خاص و نیز حمایتهای کاپیتولاسیونی در کشورهای ناقض حقوق بشر شروع شد و کم کم به تدوین برخی اسناد بین‌المللی درباره برخی اقشار (همچون کارگران) و برخی اقلیتهای دینی و ملی انجامید؛ اما در نسل سوم این حمایتها تأکید بر جامعیت اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر و شهروندی است که در آن اعلامیه‌ها، اسناد و معاهداتی امضا شد و ملل و دول آن را تصویب کردند. به‌طور کلی سه دیدگاه اساسی درباره مفاهیم حقوق بشر و شهروندی وجود دارد: دیدگاه نخست که مربوط به هانتینگتون منسوب است، بر این نظر است که نگاه عمومی یک کشور بر کل کشورها غالب شود. از این منظر، الگوی آمریکایی حقوق بشر باید بر همه کشورها حاکم گردد.

دیدگاه دیگر را مدرنیستها دارند. آنها بر این عقیده‌اند که اصول حقوق شهروندی جهان شمول است و نمی‌توان از حقوق بشر مربوط به یک کشور یا جامعه سخن گفت. در مقابل این دیدگاه نیز

پست‌مدرن‌ها با تأکید بر مسائل منطقه‌ای و ویژگی‌های فرهنگی هر اجتماع، برای هرکس و هر جامعه‌ای نسخه خاص خود می‌پیچند.

### **حقوق شهروندی در اعلامیه جهانی حقوق بشر**

اصطلاح حقوق بشر نخستین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروند در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ در فرانسه به کار رفت. آنچه امروز تحت عنوان حقوق بشر مطرح می‌باشد اصول، قواعد و مفاهیمی است که مبانی نزدیک آن، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه و اندیشه‌های متفکران سازنده آن اعلامیه یعنی فیلسوفان قرن هجدهم چون ژان ژاک روسو، منتسکیو و دید رو است و در اعلامیه حقوق بشر و دو میثاقی که به نام منشور حقوق بشر نامیده می‌شوند منعکس است.

## ج: حقوق شهروندی در ایران

### حقوق شهروندی در ایران باستان

ایران باستان را پایه‌گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته‌اند. نخستین منشور با این نام در ایران باستان در ۵۳۸ پیش از میلاد توسط کوروش کبیر پادشاه امپراتوری بزرگ ایران و شاه سلسله هخامنشی هنگام فتح بابل صادر شد و بر روی استوانه گلی معروف به منشور کوروش حک گردید. منشور صادرشده از سوی کوروش، بسیاری مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داد. منع برده‌داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل‌کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون، آزادی دین و ... در اسناد به‌دست آمده از تخت جمشید قابل مشاهده است.

اما در تاریخ معاصر ایران چندان نمی‌توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران چندان توجهی به آرا و حقوق مردم نمی‌کرد. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم در ایران اتفاق افتاده است.

در ادبیات فارسی نیز چندان نمی‌توان ریشه‌های حقوق انسان را جز در ادبیاتی پراکنده و نامدون نظیر «بنی آدم اعضای یکدیگرند...» یافت؛ و چون ضمانت اجرای چندانی نداشته است، به‌صورت اندرزهای اخلاقی و حکمت مانده است.

یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین‌شاه و توسط امیرکبیر اعلام شده است که در آن به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است.

"در این وقت از قرار شکایاتی که مقرون سمع همایونی افتاد، حکام ولایات مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می‌شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده به شکنجه می‌گذارده‌اند. چنین حرکتی منافی مروت و احکام شرع و خلاف رأی اقدس شهریاری است. لہذا غدغن می‌فرماییم که به هیچ‌وجه متهمین را به شکنجه نگذارند. پس از آن که تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید، به اندازه‌ی تقصیرشان گرفتار همان سزای شرعی و عرفی می‌گردند. حکام ولایات مزبور به هیچ‌وجه کسی را به شکنجه آسیب نرسانند و مراقب باشند که اگر احدی مرتکب چنین عملی گردد مورد مواخذه خواهد شد. می‌باید حسب‌حال مقرر معمول داشته تخلف و تجاوز از مدلول حکم قضا شمول ننمایند. (۲۵ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۶)"

در این فرمان، شکنجه و هرگونه اقدام تزدیلی دیگر علیه متهمین ممنوع دانسته و حکام را از تعدی به حقوق رعایا بر حذر داشته است؛ اما این قانون و امثال این قانون در مسیر اجرا چندان پایدار

نماندند. چراکه معمولاً وابستگیها و روابط بر ضوابط و قواعد برتری می‌یافتند. عدم رعایت این قوانین در سالهای حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و در تمام شئون حقوق مردم نفی و مورد انکار قرار گرفت. وجود شکنجه‌گاههای مخوف و دادگاههای بیدادگر از بارزترین مصادیق نقض حقوق شهروندی در این دوران است. خاطرات مبارزان پیش از انقلاب گواه این مدعاست. با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاههای عدل و روند منصفانه‌ی دادرسیها از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است.

### حقوق شهروندی در قوانین موضوعه ایران

حقوق متهم در اسناد بین‌المللی: تقریباً در تمام اسنادی که تاکنون درباره حقوق بشر به تصویب مراجع بین‌المللی رسیده است مضمون واحدی به چشم می‌خورد، این اسناد به طور خلاصه بر این نکته متفق‌اند که بشر از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است که باید الزاماً به گونه‌ای مؤثر از آنها حمایت شود و دولتها موظف‌اند در صورت نقض این حقوق تدابیر مطمئن احقاق حقوق افراد را فراهم آورند، استقرار نظم عمومی در یک جامعه پیشرفته محتاج به قوانینی است که محتوای آن با معیارهای صحیح سنجیده شده و شایستگی و توان پاسداری از نظم جامعه را داشته باشد. آیین دادرسی کیفری باید طوری طراحی شود که با پیش‌بینی سازمانهای قضایی مجهز و متشکل از متخصصین در رشته‌های مختلف اعم از حقوقی و کیفری و غیره با تفکیک صلاحیت هر یک و ایجاد تأمین‌ها و تضمین‌های ضروری در دادرسی و مدافعات طرفین اجرای عدالت کیفری را ممکن کند. بدیهی است که منافع جامعه نباید قربانی حقوق و منافع فرد گردد زیرا اگر عدالت اقتضاء می‌کند که بزهکار واقعی به مجازات محکوم شود، شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام است، امکان دفاع از خود را داشته باشد. حیات و آزادی متهم زمانی از او سلب می‌شود که ضمن رعایت حقوق دفاعی، طی محاکمه منصفانه، مسؤلیت کیفری و تقصیرش ثابت و به موجب حکم قطعی محکوم شده باشد. بنابراین مقررات آیین دادرسی کیفری که ناگزیر از تغییر و تحول دائمی و انطباق آن با جامعه‌ای پیشرفته و متمدن است، باید متضمن قواعدی باشد که اجرای عدالت را در سطح تمدن جهانی عصر حاضر تأمین نماید. قوانین آیین دادرسی کیفری وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بین دو حق، حق جامعه که از جرم متضرر شده از یک سو و حق انسانی که فعلاً به عنوان متهم شناخته شده است از سوی دیگر تعادل ایجاد نماید. تحقق عدالت به معنای عام و عدالت کیفری به معنای خاص همواره در طول تاریخ آرزوی انسان عدالت‌خواه بوده و هست. بدیهی است عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی است بدون برقراری محاکمه منصفانه‌ای که در آن حقوق و آزادی‌های متهم محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این

مفاهیم و معیارها که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، به ویژه در قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری حقوق متهم در برابر دادگاه است که فهرست اجمالی حقوق مورد بحث بدین قرار است: تساوی افراد در برابر دادگاه، محاکمه منصفانه و علنی در دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام، حق حضور فوری در برابر دادگاه و محاکمه بدون تأخیر، در دادگاه و دفاع شخصی یا توسط وکیل، مواجهه با شهود مخالف، دادن مترجم رایگان، منع اجبار به اقرار، جدایی آیین دادرسی اطفال از افراد بزرگسال، منع تجدید محاکمه و مجازات، تساوی افراد در برابر قانون، حاکمیت قانون بر نظام جرایم و مجازات‌ها، منع تأثیر قوانین زیانبار در وقایع گذشته، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازات‌های غیر انسانی، منع دستگیری و بازداشت خود سرانه، حق اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، حق رسیدگی به اتهام در مدت زمان معقول، حاکمیت پیش فرض برائت، منصفانه بودن محاکمه، برخورداری از تضمین‌های دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان، لزوم جبران زیان‌های وارد بر بازداشت‌شدگان یا محکومان بی‌گناه، و حق درخواست تجدید نظر به طور کلی مهمترین سؤالات مطروحه پیرامون حقوق متهم در سراسر یک دادرسی کیفری (من البدو الی الختم) عبارتند از این که: با کشف جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی برای تعقیب متهم به ارتکاب آن و نهایتاً محاکمه وی به چه نحو باید عمل کرد؟ آیا به این بهانه که شخصی مظنون و متهم است باید هر نوع رفتار و برخوردی را علیه او اعمال نمود؟ باید دید در مرحله دادرسی قاضی دادگاه علاوه بر اهتمام به حقوق شاکی و جامعه باید چه اهم‌هایی را در اختیار متهم قرار دهد تا او قادر باشد در فضایی عادلانه و بی‌طرفانه به دفاع از اتهامات وارده بپردازد؟)

### حقوق شهروندی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مطابق با (۱۳۴۵/۹/۲۵ شمسی) با یک مقدمه و پنجاه و سه ماده به تصویب عمومی سازمان ملل متحد رسید.

تا امروز بیش از یکصد کشور، این میثاق بین‌المللی را تصویب کرده‌اند و دولت ایران نیز در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۴ شمسی از تصویب مجلسین سنا و شورای ملی گذرانده است که نتیجه طبیعی آن قانوناً و عرفاً اجرای مفاد این پروتکل است که تاکنون در زمینه اجرایی کردن آن مفاد تخطی‌های بسیاری از طرف حکومت سهواً و عمدتاً صورت گرفته است که امید می‌رود بعد از ابلاغ قانون حقوق شهروندی نسبت به رعایت حقوق شهروندی تخطی صورت نگیرد.



## حقوق شهروندی در اعلامیه اسلامی حقوق بشر

متن اعلامیه اسلامی حقوق بشر در نوزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه در ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ (مطابق با ۱۴ محرم ۱۴۱۱ هجری و ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی) در کنفرانس قاهره مورد بحث قرار گرفته و در ۲۵ ماده به تصویب اعضای کنفرانس اسلامی رسید.

ماده هجدهم: الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند. ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و ارتباطات و مال) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل دخالت زور گویانه در این شئون حمایت شود. ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.

ماده نوزدهم: الف) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت. ب) متهم، بیگناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

ماده بیستم: دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی و روحی یا با او به گونه ای حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی مشروط بر اینکه سلامت و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنائی به قوه اجرائیه چنین اجازه ای را بدهد نیز جایز نمی باشد.

## حقوق متهم در کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده

کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ و طی قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده است. این کنوانسیون در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷ یعنی پس از اینکه بیست دولت مفاد آنرا در مراجع قانون گذاری خود به تصویب رساندند، قابلیت اجرائی پیدا کرد. کنوانسیون شامل یک مقدمه و ۳۳ ماده در ۳ بخش تدوین شده است. این کنوانسیون بعد از آنکه شکنجه را تعریف نموده است، آثار حقوقی، صلاحیت و مسئولیت های دولتها، نحوه حل اختلاف، انصراف و تشکیل کمیته منع شکنجه و وظایف آنها را توضیح داده است.

## کشورهای طرف کنوانسیون میثاق

با توجه به اصل مندرج در منشور سازمان ملل متحد که شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقام تمام اعضاء خانواده بشری را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان اعلام داشته است، با توجه به اینکه حقوق مذکور از شأن و منزلت ذاتی انسان سرچشمه گرفته است، با توجه به تعهدات دولتی امضاء کننده منشور، بویژه ماده ۵۵ آن که اعطای رعایت و حرمت و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را متذکر می‌شود، با در نظر گرفتن ماده پنجم اعلامیه حقوق بشر و ماده هفتم کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر داشته است: هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات و رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی قرار داد که سلب کننده حقوق مدنی و اجتماعی فرد است و با توجه به اعلامیه مجمع عمومی ۹ دسامبر ۱۹۷۵ مبنی بر حمایت انسان‌هایی که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه غیر انسانی و رفتارهایی که باعث سلب حقوق مدنی و اجتماعی آنها می‌شود.

## حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۲۴

متمم قانون اساسی مطروحه مورخ ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴

حقوق ملت ایران:

اصل هشتم: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

اصل نهم: افراد مردم از حیثیت و جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید.

اصل دهم: غیر از مواقع ارتکاب جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت اعلام و اشعار شود.

اصل یازدهم: هیچ کس را نمی‌توان از محکمه‌ای که باید درباره او حکم کند منصرف کرده و مجبوراً به محکمه‌ی دیگر رجوع دهند.

اصل دوازدهم: حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به موجب قانون.

اصل سیزدهم: منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمی توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم: هیچ یک از ایرانیان را نمی توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می کند.

اصل پانزدهم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأییدیه قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم: ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون.

اصل هفدهم: سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون.

اصل هیجدهم: تحصیل و تعلیم عموم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم: تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم: عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آن ها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن ها مشاهده می شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می شود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

اصل بیست و یکم: انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه ی دینی و دینوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می کند باید متابعت نماید اجتماعات در شوارع و میدان های عمومی هم باید تابع قوانین نظمی باشند.

اصل بیست و دوم: مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناء می کند.

اصل بیست و سوم: افشاء یا توقیف مخبرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین می کند.

اصل بیست و چهارم: اتباع خارجه می توانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است.

اصل بیست و پنجم: تعرض به مأموران دیوانی در تقصیرات راجعه به مشاغل آنها محتاج به تحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود.

### حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حقوق ملت: قانون اساسی یک متن قانونی نوشته و مدونی است که به موجب آن شکل سازمان قوای عالیه حکومتی و روابط آنها با یکدیگر، حقوق قدرت فرمانروایان و حقوق و آزادیهای عمومی طی تشریفات ویژه رسمی معین و مقرر می شود.

اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. اصل نوزدهم قانون اساسی بر مبنای کلام وحی که می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْتَكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَآتَىٰ وَجَعَلْتَكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ذِكْرًا (شما را از زن و مرد آفریدیم و ملل و قبایل قرار دادیم تا از یکدیگر شناخته شوید همانا گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست فرماندهان و مدیران ..) (حجرات، ۱۳) بر حذف امتیازات نژادی؛ مانند، جنس، زبان و فرماندهان و مدیران تأکید دارد و همه امتیازات و برتری های نژادی را از بین می برد.

اصل بیستم: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. به نظر می رسد منظور از مردم ایران، مندرج در اصل نوزدهم، کلیه افرادی اند که در محدوده کشور ایران زندگی کرده یا تابعیت ایران را دارا هستند؛ پس دامنه شمول آن به خارجیان نیز تسری دارد. ولی منظور از افراد ملت؛ مندرج در اصل بیستم، افراد ایرانی می باشند؛ چرا که خارجیان از بعضی از حقوق مندرج در قانون مثل ریاست جمهوری، نماینده مجلس شورای اسلامی، حق رأی دادن و مانند اینها محرومند. از طرفی دیگر، در انتهای اصل بیستم این تساوی حقوق مفید به رعایت موازین اسلام شده است و منظور آن، رعایت قوانین مسلم فقهی در چگونگی تساوی حقوق انسانها اعم از مسلمان و غیر مسلمان و زن و مرد می باشد؛ چرا که در بعضی موارد که در قوانین عادی درج شده، غیرمسلمان در حالت تساوی با مسلمانان قرار ندارد (مثل قتل عمدی غیر مسلمان به دست مسلمان) و یا اینکه در اموری مثل ارث، سهم دختر، نصف سهم پسر است، یا اینکه دیه زن نصف دیه مردان می باشد؛ ولی از این قید مختصر که بگذریم، عموم و اطلاق اصل بیستم شامل همه افراد ملت خواهد بود.

اصل بیست و یکم: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱\_ ایجاد زمینه های مساعدت برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲\_ حمایت مادران بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست

۳\_ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴\_ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵\_ اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم: حیثیت، جان، مال، حقوق مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان بصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار دارد.

اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.

اصل بیست و پنجم: بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر بحکم قانون .

(نصیحت و صحبت های پیامبر اعظم (ص) در آخرین روزهای حیاتش، مسأله حقوق مردم (حق الناس) است. وصیت آن حضرت در لحظات آخر حیاتش، برپایی نماز و مراعات حال بردگان بود: ) با بردگان به نیکی رفتار کنید، در خوراک و پوشاک دقت نموده، با آنان به نرمی سخن بگویید و حسن معاشرت پیشه خود بسازید) او در آخرین روزهای حیاتش به مسجد می رود و از مردم می خواهد که اگر کسی حقی بر ذمه او دارد آماده ادای آن حق است و چه نشانه ای بالاتر از این، درباره جایگاه ممتاز حقوق ملت در پیشگاه پیامبر اعظم (ص). شخصیت پیامبر (ص) ضمن برخوردار بودن از معنویات ناشی از رسالت و وحی، دغدغه دائم حقوق انسانی را داراست. در آخرین حج که به حجه الوداع معروف است، در روز عید قربان مردم را در صحرای عرفه جمع می کند و برای آنان سخنرانی می نماید. عده ای صدای پیامبر را به مردم می رساندند. آن حضرت پرسید: ( این ماه چه

ماهی است؟) مردم می گویند: (ماه حرام است) پیامبر می فرماید: (خون و مال و جانتان مثل این ماه محترم است) سپس می پرسد: (امروز در چه مکانی هستیم؟) جمعیت می گویند: (در یک مکان حرام) می فرماید ( خون و جان و ناموستان مثل این مکان محترم است) بعد پیامبر پرسید: (امروز چه روزی است؟) مردم می گویند (یک روز حرام است) پیامبر می فرماید: ( مال و جان و ناموستان مثل امروز بر شما محترم است). رسول خاتم (ص) پایگاه وحی ، بر حرمت جان و مال و ناموس انسانها تأکید می کند. مخاطب آن حضرت همه انسانها در همه اعصارند. حرمت حقوق فردی انسانها، مالکیت خصوصی و امنیت شخصی تک تک افراد از تأکید های مکرر رسول خاتم (ص) عیان است))

اصل بیست و ششم: احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط باینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقص نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم: تشکیل اجتماعات و راهپیمائی ها بدون حمل سلاح، بشرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت مؤظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم: برخوردی از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را بر یک یک افراد کشور تأمین کند.

اصل سی ام : دولت مؤظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم: داشتن مسکن متناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستا نشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم: هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این اصل به تحدید اختیارات ضابطین پرداخته است. بند ۳ ماده میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به حاضر کردن متهم نزد دادرسی (اسرع وقت) اشاره کرده است. الزام پلیس به هدایت متهم نزد مقامات قضایی و آن هم ظرف مدت ۲۴ ساعت، امروزه به عنوان روشی قابل قبول و حتی پیشرفته تلقی می گردد ( در حقوق فرانسه به استناد بند ۱ ماده ۶۳ مدت تحت نظر قرار دادن متهمان توسط پلیس همان ۲۴ ساعت است با این همه این مدت برای ۲۴ ساعت دیگر با مجوز کتبی دادستان که می تواند متقاضی ملاقات متهم شود، قابل تمدید است.)

در حقوق ایران هیچ گونه مجوز قانونی برای آن چه که در صورت تحت نظر بر ۲۴ ساعت در برخی موارد متجلی می شود وجود ندارد. ضابطین موظفند قبل از گذشت ۲۴ ساعت اقدام لازم را در جهت هدایت و معرفی متهم به مراجع قضایی صالح معمول دارند. در غیر این صورت به مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ قانون اسلامی محکوم خواهند شد. و چنانچه محبوس را تهدید به قتل نموده یا او را شکنجه و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه به حکم ماده ۵۸۷ قانون فوق الذکر مجازات یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی برای او منظور شده است. با این همه، چه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چه در قوانینی عادی ذکری از برخی حقوق متهم که پس از تحت نظر گرفتن او توسط پلیس موضوعیت می یابد، نکته مهم دیگری در قوانین ایران مدنظر قرار نگرفته است. چگونگی شروع به بازجویی متهم از سوی ضابطین، طول مدت بازجویی، تنظیم صورت جلسات بازجویی، و ممنوعیت ادامه بازجویی زاید بر مدت معین است.

اصل سی و سوم: هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع کرد یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل سی و چهارم: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که بموجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.

اصل سی و پنجم: در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

همانگونه که قانونگذار اجازه داده که در مواقع خطر جانی یا مالی هر شخصی بتواند با استفاده از ابزارهای قانونی از خود دور کند به صورت دیگر چون در این صورت حمله انجام شده به چنین شخصی مثلاً ایراد اتهام ( با توجه به ابزارهای قانونی صورت می گیرد و معمولاً اشخاص معمولی با مسائل قانونی و زیر و بم های حقوق خود آشنا نیستند باید امر دفاع را کسی که مسلط به قوانین جاریه مملکت باشد به عهده گیرد تا بتواند دفاعی مناسب حمله یعنی ایراد اتهام) به عمل آورد. یعنی انتخاب وکیل در واقع برای استیفای حق دفاع است که از حقوق اولیه هر شهروند ایرانی است و تنها وکیل می تواند چنین حقی را بنحو احسن استیفا کند و به همین دلیل در اغلب سیستم های حقوقی مدرن جهان امروز همراه داشتن وکیل در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی و در امور حقوقی از حقوق اولیه هر شخص است. در قانون آیین دادرسی ما نیز چنین حقی برای طرف های دعوا در نظر گرفته شده است و نه تنها متهم حق دارد که از وکیل استفاده کند بلکه دادرسی و دادگاه ها هم مکلف شده اند که اگر متهمی وکیل نداشت برای او امکانات استفاده از وکیل را فراهم کنند.

اصل سی و ششم: " حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. " اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها؛ یکی از اصولی است که بر اساس قبح عقاب بلا بیان در شریعت اسلام می باشد. نقل شده است، مردی را که شراب نوشیده بود، نزد ابوبکر آوردند تا حد بر او جاری شود آن مرد به ابوبکر گفت من در دهستانی زندگی می کنم که اهل آن سامان شراب می نوشند و آن را حلال می دانند و من هرگز از حرام بودن آن اطلاعی نداشتم و اگر می دانستم از نظر دین اسلام شرب خمر حرام است، البته از آن اجتناب می کردم. ابوبکر نزد حضرت علی علیه السلام رفت و قضیه را نزد او بازگو کرد. امیر المؤمنین (ع) فرمود شخصی را با او بفرست تا او را در تمام خانه های مهاجر و انصار بگرداند و اگر کسی شهادت می دهد که این آیه را برای وی تلاوت کرده حد بر او جاری شود و چون کسی چنین شهادتی را نداد، حد از وی ساقط شد.



اصل سی و هفتم: اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. بدون تردید انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به افراد مادام که در مراجع صالح قضایی به وسیله ادله روشن مبتنی بر اصول محاکمات و آئین دادرسی به اثبات نرسیده باشد، علت و موجبی برای مجازات ایشان تلقی نمی شود. اصل برائت گویای همین اصل است. به عبارت دیگر تا زمانی که قاضی آگاه و بی طرف، علم به (مجرمیت) پیدا نکرده و به آن رأی نداده است فرد متهم از هرگونه مجازاتی در امان می باشد. هرگاه مقررات اصل ۳۷ قانون اساسی به طور کامل مراعات شود، اطمینان خاطر و امنیتی حیثیتی، سیاسی، شغلی، آموزشی و...، افراد درزندگی فردی و اجتماعی فراهم می گردد که این امر مهم در سطح کلان و به سهم خود، زمینه پیشرفت همه جانبه جامعه و کشور را می سازد.

اصل سی و هشتم: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. شکنجه متهم در اثنای بازجویی و تحقیقات جنایی برای اخذ اقرار و یا اطلاع، اقدامی ضد انسانی است که مطابق اصول دادرسی کیفری، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مشقات غیر انسانی یا موهن و قوانین اساسی کشورها بشدت منع شده است. در سیره و روش قضای امام علی (ع) بر اساس قضاوت های متعددی که از ایشان در تاریخ دادرسی اسلام به ثبت رسیده است، هرگز از اعمال اذیت و آزار و جسمی و روحی متهمان برای اخذ اقرار و یا اطلاع یا به بهانه کشف حقیقت اثری مشاهده نمی شود.

\_ عن ابی البختری، عن ابی عبدالله ان امیرالمومنین (ع) (قال: "من اقر عند تجرید او تخویف او حبس او تحدید فلاحه علیه" یعنی، ابولبختری از امام صادق (ع) فرمود: "کسی که هنگام تجرید(عریان کردن و کتک خوردن) یا ترساندن یا تهدید، به جرمی اقرار کند براو حدی نیست.")

\_ عن اسحاق بن عمار، عن جعفر، عن ابیه، أن علیا (ع) کان یقول: لا قطع علی احد یخوف من ضرب و لا قید و لا سجن و لا تعنیف. فرماندهان و مدیران " یعنی اسحاق بن اعمار از جعفر و او از پدرش و وی از علی (ع) نقل می کند که فرمود: دست متهمی که به نوعی از زدن ترسانیده شده قطع نمی شود. همچنین نمی شود او را در زنجیر کرد یا زندانی و شکنجه نمود"

همان گونه که در سیر تحول اصول دادرسی کشوری اشاره رفت، شکنجه متهمان در اثنای تحقیقات و دادرسی در ادبیات حقوق فرانسه و کشورهای معاصر آن تا قبل از انقلاب کبیر فرانسه در اواخر قرن هجدهم، عادی و قانونی بوده، از جملات انتقادات عمده فیلسوفان و حقوقدانان

عصروشنگری نظیر ولتر و بکاریا رواج شکنجه متهمان بود. بدین ترتیب با توجه به شیوه های قضاوت امام علی (ع) و بیانات ایشان معلوم می شود که قرن‌ها قبل از تحول دادرسی کشورها در منع شکنجه متهمان، مولای متقیان با این اقدام ضد انسانی در اثنای تحقیقات و دادرسی مخالفت می کرده است.

اصل سی و نهم: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». منظور از هتک حرمت و حیثیت عبارت است از اعمال هر گونه خشونت و سلب آزادی از شخص که با حیثیت انسانی منافات داشته باشد؛ مثل کتک زدن، شکنجه و آزار روحی، استهزا؛ توهین و تحت فشار قرار دادن از طریق ندادن خوراک؛ پوشاک و درمان و مانند آن.

اصل چهل و یکم: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتیکه به تابعیت کشور دیگری در آید.

اصل چهل و دوم: اتباع خارجی می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

اصل یکصد و شصت و نهم: هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

اصل یکصد و هفتاد و یک: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

### **حقوق شهروندی در فرمان هشت ماده ای امام (ره)**

فرمان ۸ ماده ای امام خمینی (ره) که در ۲۴ آذر سال ۱۳۶۱ صادر شد نه تنها الهام بخش مجلس در تصویب قانون حقوق شهروندی در اردیبهشت ۸۳ بود بلکه احیاگر دستگاه قضایی و تذکری بر اصل حاکمیت قانون در آن سال ها بوده و چراغی همیشه تابنده در مسیر تحقق حقوق شهروندی خواهد بود. در ادامه پیگیری ها و تأکیدات حضرت امام، لازم به نظر می رسید قوانینی به تصویب برسد که در بردارنده امور تأکید شده در فرمان هشت ماده باشند. شاید اولین قانون قابل توجه در

این زمینه سالها بعد از صدور فرمان یعنی در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۸۳ از سوی مجلس تصویب شد و در تاریخ ۱۶ اردیبهشت همان سال به تأیید شورای نگهبان رسیده و عنوان ماده واحد «قانون حقوق شهروندی» را گرفت که البته چندین ماه قبل از آن به صورت بخشنامه و دستورالعمل توسط ریاست قوه قضاییه به دستگاه ها و سازمان های ذی ربط ابلاغ شده بود.

زمان: ۲۴ آذر ۱۳۶۱ / ۲۹ صفر ۱۴۰۳

موضوع: «فرمان هشت ماده‌ای» درباره حقوق مردم، قانون، قوه قضاییه و لزوم اسلامی شدن روابط و قوانین  
مخاطب: قوه قضاییه و ارگانهای اجرایی

در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگانهای دولتی بویژه دستگاههای قضایی و لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان شاء الله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند:

۱- تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتر برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد، که کار قوه قضاییه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود، و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.

۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستانها و دادگاهها با سرعت و دقت عمل شود تا جریان امور، شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد. و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بیطرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشیهای جاهلانه که گاهی از تدروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزشهایی که در رژیم سابق داشته‌اند، مگر آنکه با قرائن صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند.

۳- آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاههای انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند. و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به‌طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.

۴- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر

بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷- آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگناه کوچک و بزرگ و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی‌الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاهها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستانها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعی، عملی انجام ندهند.

و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لہو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعی نماید. فقط باید به وظیفه نبی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی‌الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

۸- جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور، و جناب آقای نخست وزیر موظفند شرعاً از امور مذکوره با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند. و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداریها و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هیأت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، که به حقوق و اموال آنان سر می‌زند بدین هیأت‌ها ارجاع نمایند و هیأت‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم، و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پیگیری آن متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند.

باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم‌الاولصیا و بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواستہ به کسی ظلم شود، و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود.

باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهیها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است، و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است. از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزشها و خطاها حفظ فرماید، و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - متصل فرماید «آنه قریب مجیب». والسلام علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی(صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۳-۱۳۹)

## حقوق شهروندی در قوه قضاییه

فرمان امام در اواخر سال ۱۳۸۲ به عنوان بخشنامه از جانب ریاست محترم قوه قضاییه به واحدهای مختلف قضایی ابلاغ شده بود. مجلس ششم، با توجه به مفاد آن و در واقع با اغتنام فرصت، متن بخشنامه را در قالب قانونی ریخت که در ۸۳/۲/۱۵ به تصویب رسید و یک روز بعد شورای محترم نگهبان هم آن را تصویب کرد.

در ادامه ریاست قوه قضاییه با صدور بخشنامه ای از تمام مراجع قضایی در سراسر کشور خواست با پرهیز از اعطای نیابت های قضایی مبهم و ناقص از تقاضای جلب و اعطای تحت الحفظ متهمان بدون تفهیم انجام و صدور قرار تأمین و جلب و احضار افراد بدون توجه و دلایل کافی خودداری کنند. متن کامل بخشنامه ریاست محترم قوه قضاییه به این شرح است:

نظر به اهمیت و لزوم رعایت مقررات و آیین دادرسی، بالأخص در زمینه های تعقیب، احضار و جلب اشخاص و نیز قواعد مربوط به صلاحیت های ذاتی، نسبی و محلی مراجع قضایی، چگونگی اعطا و اجرای نیابت های قضایی که از متفرعات بحث صلاحیت مراجع قضایی است و با توجه به این که برخی گزارش های رسیده حکایت از تشتت و تنوع رویه ها در مورد (نیابت های قضایی) دارد و از طرفی اعطای نیابت های مبهم، مجمل و کلی و مشتمل بر نواقص، علاوه بر صرف هزینه های زیاد و اتلاف وقت، موجبات سرگردانی صاحبان دعاوی و ارباب رجوع و در نتیجه اطلاع دادرسی را فراهم می آورد، بنابراین ضمن تذکر لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوط از سوی کلیه مراجع و مقامات قضایی معطی و مجری، بر اعمال دقیق موارد و نکات ذیل تأکید می شود:

۱\_ در تنظیم برگه اعطای نیابت قضایی، ضمن درج مشخصات و نشانی دقیق و کامل طرفین پرونده و شهود، می بایست نام و سمت قاضی معطی نیابت به طور دقیق ذکر شود و سپس توسط وی، برگه مزبور امضا و مهر گردد.

۲\_ مراجع معطی نیابت در ارسال برگه نیابت به حوزه قضایی مورد نظر، دقت لازم را معمول دارند تا از ارسال آن به مرکز استان که باعث طولانی شدن زمان اجرای نیابت می شود، جلوگیری گردد. لازم است حوزه های قضایی که برگه اعطای نیابت اشتباهاً به آن واحد واصل گردیده اوراق مربوطه را بدون عودت به مرجع معطی نیابت راساً به حوزه قضایی مجری نیابت ارسال نمایند و رو نوشت آن نیز به مرجع معطی نیابت جهت اطلاع و پیگیری داده شود تا موجب اطلاع رسیدگی نشود.

۳\_ ضروری است ضمن پرهیز از اعطای نیابت های مبهم، مجمل، کلی و ناقص، هر یک از اقداماتی که می بایست توسط مرجع مجری نیابت معقول گردد، به طور روشن و خوانا و دقیق با ذکر جزئیات کامل در برگه اعطای نیابت قید گردد و همچنین دلایل مجرمیت متهم به صورت دقیق و مشخص احصاء و در مواردی که اوراقی از پرونده نیاز به ملاحظه قاضی مجری نیابت باشد، رونوشت آنها پیوست گردد.

۴\_ در تنظیم برگه اعطای نیابت قضایی، می بایست اعتبارات قانونی تفویض شده با توجه به موارد خواسته و به صورت کامل و اگذار گردد تا از مکاتبه مجدد بین مرجع مجری با مرجع معطی نیابت جلوگیری شود.

۵\_ از تقاضای جلب و اعزام تحت الحفظ متهم بدون تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین خودداری گردد و از جلب و احضار افراد، بدون توجه به اتهام و دلایل کافی پرهیز به عمل آید، همچنین در مورد محکومین آرای غیابی، دادنامه غیابی ضمیمه گردد.

۶\_ در خصوص تقاضای مربوط به ممنوع الخروج و استرداد مجرمین، با توجه به وظایف دادستانی کل کشور و اداره حقوقی قوه قضاییه، حسب مورد اقدام گردد.

۷\_ در مواردی که متهمین موضوع نیابت بیش از یک نفر باشند و راجع به یکی از متهمین اقدامات نیابتی کامل گردد یا پس از تحقیق و اخذ تأمین از متهم، وجود اوراق نیابت جهت ادامه تحقیقات دیگر ضروری باشد، قاضی مجری نیابت موظف است، اوراق نیابت را تفکیک و در مورد متهمی که نسب به وی تحقیقات انجام تأمین اخذ گردیده است. فوراً اوراق مربوط را به همراه متهم موصوف به مرجع معطی نیابت اعاده و اعزام نماید و در هیچ شرایطی مدت بازداشت وی بیش از ۴۸ ساعت نشود.

۸\_ نیابت های صادره می بایست با استفاده از نمابر (فاکس) ارسال شود و در جهت تضمین صحت و اصالت آن، مدیر دفتر حوزه قضایی یا جانشین طرف گیرنده باید با درج مشخصات خود و امضای ذیل اوراق نیابت، مراتب را تأیید نماید و در غیر این صورت مانند ضرورت اعزام مأمور ضابط به همراه پرونده و غیره، حداکثر ظرف ۳ روز پرونده موضوع نیابت ارسال گردد.

۹\_ با توجه به اینکه در حوزه قضایی تهران، امور نیابت در مجتمع ویژه نیابت متمرکز گردیده است، لازم است تمامی مکاتبات با موضوع نیابت از طریق نشانی کامل به همراه شماره نمابر (فاکس) که متعاقباً از طریق دادگستری استان تهران اعلام خواهد شد، به عمل آید. روسای حوزه های قضایی و دادستان ها مسؤول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه هستند.

## منشور حقوق شهروندی در دولت

«حقوق شهروندی» مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه است و جزو حقوق ذاتی و فطری انسان هاست و غیرقابل انتقال و تجزیه ناپذیر است و به تابعان یک کشور فارغ از رنگ، قومیت، نژاد، دین و طبقه شان تعلق می گیرد.

رعایت حقوق شهروندی یکی از تاکیدات و وعده های حسن روحانی رییس جمهور بود که از ابتدا آن را مطرح کرد و در ۱۰۰ روز اول دولت یازدهم پیش نویس آن تهیه شد، اما تدوین آن حدود سه سال طول کشید و نهایتاً در ۲۹ آذر ماه سال ۹۵ با امضای رییس جمهور نهایی شد.

برای اولین بار بود که حقوق شهروندی ملت از سوی خود دولت به رسمیت شناخته، ارائه و ابلاغ شد و برای نخستین بار دولت اراده خود را برای عملیاتی شدن حقوق مصرح در قانون اساسی درباره حقوق ملت به نمایش گذاشت.

«منشور حقوق شهروندی» شامل ۲۲ حق و ۱۲۰ ماده است و با هدف استیفاء و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط مشی دولت» موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آنها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول داشته است.

برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکلها، اتحادیه های صنفی، سازمان های مردم نهاد و بخش خصوصی ضروری است. مواد مختلف این منشور باید در

هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، شود.

۲۲ حقی که در منشور حقوق شهروندی آمده عبارت است از «حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی»، «حق کرامت و برابری انسانی»، «حق آزادی و امنیت شهروندی»، «حق مشارکت در تعیین سرنوشت»، «حق اداره شایسته و حسن تدبیر»، «حق آزادی اندیشه و بیان»، «حق دسترسی به اطلاعات»، «حق دسترسی به فضای مجازی»، «حق حریم خصوصی»، «حق تشکل، تجمع و راهپیمایی»، «حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد»، «حق تشکیل و برخورداری از خانواده»، «حق برخورداری از دادخواهی عادلانه»، «حق اقتصاد شفاف و رقابتی»، «حق مسکن»، «حق مالکیت»، «حق اشتغال و کار شایسته»، «حق رفاه و تأمین اجتماعی»، «حق دسترسی و مشارکت فرهنگی»، «حق آموزش و پژوهش»، «حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار» و «حق صلح، امنیت و اقتدار ملی».

طبق ساز و کار اجرایی و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی، رئیس‌جمهور باید برای نظارت، هماهنگی و پیگیری اجرای مناسب تعهدات دولت در این منشور، دستیار ویژه‌ای را انتخاب کند و به طور رسمی منشور حقوق شهروندی را به تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ابلاغ نماید.

برخی از اساتید بر این عقیده اند که منشور حقوق شهروندی صرفاً در حد یک منشور و متضمن تکرار بسیاری از اصول قانون اساسی، حقوق بشر، اعلامیه جهانی و سایر ابعاد جدید حقوق شهروندی است که در حد یک اعلامیه باید تلقی شود و هیچ قدرت و ضمانت اجرایی ندارد و به نظر می‌رسد که عملاً بازتاب اجرای این منشور در حد رسانه‌ها باقی مانده و تبعاتی که از طریق اجرای آن عاید ملت می‌شود به وضوح یا انجام نشده و یا اگر انجام شده به اطلاع عموم نرسیده است.

برخی دیگر معتقدند که ضروری است در اجرای منویات افرادی که دغدغه اجرای حقوق شهروندی دارند، این منشور که کامل‌تر از اعلامیه‌ها یا حتی قوانین بوده است، فرآیند تصویب را در مجلس شورای اسلامی طی کند و به صورت قانون چگونگی اجرای حقوق شهروندی و ضمانت اجرای عدم احترام به آن توسط این منشور کاملاً مشخص شود. تا زمانی که این منشور به صورت قانون در نیاید هیچ فایده عملی ندارد و قطعاً توقع مردم به ویژه دلسوزان به وضعیت حقوق بشر در کشور را افزایش داده اما عملاً تا به امروز صرفاً در حد نظر و گفتمان شفاهی باقی مانده است. قطعاً تصویب قانون مربوط به حقوق شهروندی می‌تواند توقع و حقوق ملت در مقابل حاکمیت را کاملاً مشخص

کند. به نظر می رسد بنا بر تاکید و نظر رییس جمهور اجرای منشور حقوق شهروندی پیش از همه باید از خانواده دولت آغاز شود و دستگاه‌های اجرایی خود در تحقق این حقوق پیشقدم شوند.